

بیمه نیروهای فنی ومهندسی اعزامی به خارج، اجباری است

سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد که نیروهای فنی و مهندسی که از طریق شرکت‌ها و موسسات داخلی به سایر کشورها اعزام می‌شوند باید نزد سازمان تامین اجتماعی بیمه شوند و بیمه این افراد از نوع اجباری است. به گزارش اداره کل روابط‌عمومی سازمان تامین اجتماعی، لیست حق بیمه نیروهای فنی و مهندسی اعزامی به خارج از کشور باید از طریق دفتر مرکزی شرکت اعزام‌کننده در داخل کشور به سازمان تامین اجتماعی ارسال و پرداخت شود. در این ارتباط شرکت‌هایی که به امر اعزام نیروی فنی مهندسی به خارج از کشور مبادرت می‌ورزند، موظف‌اند در خصوص ارائه لیست پرداخت حق بیمه وفق ماده ۳۹ قانون تامین اجتماعی اقدام کنند.

یکشنبه ● ۲۸ مرداد ۱۳۹۷ ● شماره صد و شصت‌ونج

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

سرمایه‌های بیمه‌شدگان و چالش‌های آینده

در صورت ادامه شرایط پرنوسان اقتصاد کلان، ارزش دارایی‌های ذی‌نفعان تامین اجتماعی کمتر و مدیریت و خلق ارزش افزوده برای آن‌ها دشوارتر می‌شود

که باید سرمایه‌گذاری شوند.

■ شستاد چالش‌های پیش رو

اصل ماجرا در استراتژی‌های سرمایه‌گذاری این صندوق بیمه‌ای است. کسی تردیدی ندارد که صندوق تامین اجتماعی از وزنه‌های سنگین در اقتصاد ایران است و مانند هر صندوق بیمه‌ای دیگر با توجه به منابع زیادی که در اختیار دارند، برای حفظ ارزش ذخایر خود باید به سرمایه‌گذاری روی بی‌سارود. در تامین اجتماعی این کار را شستا که امروزه یکی از بزرگ‌ترین نهادهای سرمایه‌گذاری شناخته می‌شود، به عهده دارد. مجموعه‌ای اقتصادی متشکل از صدها شرکت و بنگاه که براساس آمارها ۵۴درصد آن ناشی از ردپون دولت بوده و ۴۱درصد نیز ایجادى و خریدارى شده هستند. براساس گزارشی که سال گذشته مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرده، از نظر سودآوری تنها ۲۶درصد سود شستا، ناشی از شرکت‌های رد دین شده دولت بوده‌اند و بیش از ۷۴درصد آن از محل بازدهی شرکت‌های خریداری شده و ایجادى به دست آمده است. چنین اعداد و ارقامى علاوه بر اینکه جهت‌گیری‌های نادرست در نحوه واگذاری‌ها به تامین اجتماعی را در برخی مقاطع زمانى نشان می‌دهد، بیانگر حساسیت در تعیین خط‌مشی‌های سرمایه‌گذاری هست. هرچه باشد شستا مسئولیت مدیریت دارایی‌های جامعه‌ای چند ده میلیونى را برعهده دارد و رشد و تجمع این دارایی‌ها ایجاب می‌کند تنوع‌بخشى و کارآمدترکردن سبد سرمایه‌گذاری‌ها برای تضمین بازپرداخت تعهدات به صاحبان آن‌ها دنبال شود. تاکید کارشناسان بر اطمینان‌بخشى حداکثرى و کم کردن ریسک‌های پرشمار است، اما به اعتقاد فعالان حوزه سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی، سر بالایی اقتصاد ایران مدیریت پهنه دارایی‌ها را برای تامین اجتماعی هم دشوار کرده است. وضعیتی که به گفته فردین یزدانى، از آن گریز و گزیری نیست، اما می‌شود با ابزارها و سیاست‌هایی خاص، دامنه اثرگذاری ریسک‌های غیرقابل اجتناب را کمتر کرد. این کارشناس گروه اقتصاد و سرمایه‌گذاری موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی در گفت‌وگو با «آتی‌نو» تاکید می‌کند که جنس دارایی‌های سازمان تامین اجتماعی با دارایی‌های بخش خصوصی یکسان نیست و به همین دلیل هم انعطاف‌پذیری کمتری با شرایط اقتصادی حال حاضر کشور دارد که همین تفاوت آسیب‌زننده است. وى می‌گوید: «از نظر ارزش سرمایه، آسیبی که شرایط اقتصادی کنونی به سازمان تامین اجتماعی وارد می‌کند بسیار سنگین‌تر از ضربه‌ای است که به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی وارد می‌شود.» این کارشناس اقتصادى با اشاره به نوسانات نرخ ارز، پیش‌بینی می‌کند، اقتصاد ایران در ماه‌های آینده نیز آبستن تحولات دیگری باشد که هزینه‌های تولید تامین اجتماعی را با افزایش‌های آن چنانى روبه‌رو می‌کند. یزدانى در عین حال معتقد است، سازمان تامین اجتماعی مزیت‌هایی هم دارد که اگر هوشمندانه از آن‌ها استفاده شود، میزان آسیب‌پذیری‌های خود را کمتر می‌کند. وى می‌گوید: «سازمان تامین اجتماعی دارای بازار مصرف بزرگی شامل حدود ۴میلیون مستمرى‌بگیرى و تعداد زیادی بنگاه اقتصادى است که کالاها و خدمات تولید می‌کنند. اگر این سازمان بتواند زنجیره تولید کالاها را به جامعه هدف خود متصل کند و حتى در شرایط تورمى، تخفیفاتی برای آن‌ها در نظر بگیرد، در این صورت با این هم‌افزایی میان بازار تولید و مصرف خود، میزان آسیب‌پذیری خود را کمتر، کسرى‌ها را کنترل و حتى در حالتى خوش‌بینانه می‌تواند برای خود فرصت تازه خلق کند.»



شکل‌گیری اجماع بر سر شیوه مدیریت اوضاع اقتصادی کشور امری بسیار سخت است، سوال ما این است که در شرایط جدید، سازمان تامین اجتماعی برای مدیریت بخش‌های بیمه‌ای، درمانی و سرمایه‌گذاری خود چه کند. در چندسال اخیر بارها از این گفته و شنیده‌ایم که سازمان تامین اجتماعی کسرى شدیدتقدینگی دارد که خودپیامد طرح‌ها و برنامه‌های حمایتی و پرداخت نشدن مطالباتش از دولت بوده است. رشد سریع تعداد مستمرى‌بگیران و کاهش نسبت شاغلان به مستمرى‌بگیران نیز در افزایش مصارف به منابع اثر داشته است. منابعی که طبق آخرین ارزیابی‌ها حدود ۸۲ درصد آن از محل حق بیمه‌ها و به عبارتی کسب‌وکارها تامین می‌شود و کارگران و کارفرمایان تامین‌کننده اصلی آن هستند. حال‌گفته می‌شود با ادامه روند کنونی ممکن است شکاف منابع و مصارف عمیق‌تر هم شود. به‌ویژه که اغلب ورودی‌های سال‌های گذشته تامین اجتماعی ریسک‌های پرخطر و گزینشی بوده‌اند که در مدت زمانى کمتر از حد انتظار به دایره خروجی یا همان مصارف گام نهاده‌اند. با آنکه در چندسال گذشته با تزیق منابع مالی حاصل از سود سرمایه‌گذاری‌ها، اخذ اعتبار از نظام بانكى و تسویه حدود هشت‌هزار میلیارد تومان از بدهی‌های معوق دولت، اوضاع قدرى بهبود یافته، بحران تقدینگی همچنان به قوت خود باقی است. شاهد این مدعا گزارشی است که خرداد ماه سال گذشته، معاونت اقتصادى وزارت رفاه منتشر کرد و تخمین زده اگر شرایط به همین منوال ادامه یابد، کسرى تقدینگی سازمان تامین اجتماعی در سال ۱۴۰۴ به حدود ۱۱۹هزار میلیارد تومان می‌رسد. از یک نظر این پیش‌بینی را می‌توان به جایگاه و موقعیت سازمان تامین اجتماعی در ساختار اقتصادى کشور نیز مرتبط دانست. به این معنا که جهت‌گیری سیاست‌گذاری‌های معطوف به رشد یا رکود اشتغال و تولید، به افزایش یا کاهش منابع تامین اجتماعی می‌شود و شاید در این زمینه کار چندانی از دست این سازمان برنیاید. به عبارت دیگر سیاست‌های مشوق تولید و اشتغال هرچند ممکن است سلامت، درآمد و اندوخته‌نیمی از جمعیت کشور را تضمین ی‌ادر خطر قرار می‌دهد، بخش مهم‌تر ماجرا وضعیت اندوخته‌هاست

هشدار می‌دهند وقت تنگ است و اگر هوشمندانه عمل نشود، ممکن است اوضاع از کنترل خارج شود. در همین رابطه، جمشید پژویان، معتقد است، تحولات اخیر در اقتصاد کشور مانند رشد تقدینگی و افزایش نرخ ارز بیشترین ضربه را به تولید کشور وارد کرده که در درجه اول نیروی کار و مردم را نشانه می‌گیرد. این اقتصاددان به «آتی‌نو» می‌گوید: «اگر شرایط تولید در کشور را طی سال‌های اخیر برسى کنیم، بسیاری از بنگاه‌ها از ادامه فعالیت بازمانده‌اند، اما حالا که تورم افزایش پیدا کرده و قیمت تمام‌شده کالاها بالا رفته، برای تولیدکننده‌های بزرگ به قیمت کاهش حجم تولید تمام شده و برای کارگران نیز افت قدرت خرید.» به گفته پژویان، در شرایط تورمى، بازنده اصلی، بخش‌های مولد هستند که تقاضا برای محصولات خود را از دست می‌دهند و از آنجا که قدرت عرضه محصولات در بازارهای خارجی را نیز ندارند، به مرور از بازار حذف می‌شوند که معنای آن، کاهش سطح تولید یا تعطیلی بنگاه‌ها خواهد بود. حسین راغفر نیز پیشنهاد می‌کند دولت با ایجاد لایه حفاظت اجتماعى و اقتصادى، از طبقات کمتربرخوردار در برابر تکانه‌های کنونی و آتی حمایت کند. استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) از تاب‌آوری بنگاه‌های اقتصادى در شرایط بحرانی صحبت می‌کند و تاکید دارد همه چیز به سیاست‌هایی بستگی دارد که دولت‌ها در برابر بازیگران اقتصادى اتخاذ می‌کنند. وى به «آتی‌نو» توضیح می‌دهد: «ما نیاز به رفتارهای ملایم‌تر داریم. باید از سیاست‌هایی که هزینه‌های تولید را زیاد می‌کنند و به وضعیت بد بنگاه‌ها دامن می‌زنند پرهیز شود و دست بازیگران واقعی را باز گذاشت.» به گفته راغفر، سیاست‌هایی مانند اجرای بازار ارز ثانویه اگر به درستی هدایت و کنترل نشوند خطاهای فاحشى هستند که مناسبات راتنى و فساد را تقویت می‌کند و اقشار ضعیف را که به اعتقاد او مولدترین طبقات اجتماع هستند، هدف می‌گیرد.

■ کدام استراتژی؟

اگرچه در میان صاحب‌نظران و نخبگان با سیاست‌گذاران و مجریان بی‌آنکه به نحله و گرایش فکرى آن‌ها توجه کنیم،

کارشناسان معتقدند بی‌ثباتی‌های اقتصادى اثرات مهلکى بر سازمان تامین اجتماعی، مخاطبان و دارایی‌های آن دارد. علاوه بر کاهش شمار بیمه‌شدگان و افزایش هزینه‌های درمانى، در بخش سرمایه‌گذاری نیز با ادامه روند کنونی آسیبی جدی به دارایی‌های این سازمان و بازده آن‌ها وارد می‌شود.



حوزه شرکت‌های تابعه سازمان تامین اجتماعی شامل دو گروه شرکت‌های ماموریتی و سرمایه‌گذاری است که مهم‌ترین وجه تمایز این دو نیز سودآوری آن‌هاست که برای



کتیو ۰۳

ویلوک

پرسه‌ای در ایده‌ها و اندیشه‌ها



چرا چالش تامین اجتماعی چالش دولت است؟

برداشت اولیه این است که وضعیت ویژه اقتصادی اخیر کشور در چند حوزه بر سازمان تامین اجتماعی و مشترکان و ذی‌نفعان آن تأثیر می‌گذارد. نکته مهم این است که چنین موقعیت‌های خطیری در دو سطح اثرات خود را برجای می‌گذارند. از منظر اول، جامعه مخاطب سازمان تامین اجتماعی به‌خصوص بیمه‌شدگان و مستمرى‌بگیران است و در بُعدى دیگر نیز باید دید در رابطه سازمان تامین اجتماعی با کارفرمایان چه تغییرات و اتفاق‌هایی حادث می‌شود. یک‌سر دیگر ماجرا نیز به دولت بر مى‌گردد که در ادامه توضیح می‌دهیم. مهم‌ترین موضوعی که در سطح جامعه نیز درباره آن بحث می‌شود، وضعیتی است که عموم مردم تجربه می‌کنند. معنای که ما از جامعه فرض می‌گیریم، بیمه‌شدگان و مستمرى‌بگیران است که این روزها اتفاقا بیش از گذشته نگران کاهش قدرت خرید خود هستند. درباره مستمرى‌بگیران وضعیت‌حادثر است. طبق قانون همه‌ساله متناسب با قدرت خرید و تورم، سازمان تامین اجتماعی حقوق ماهیانه مستمرى‌بگیران را باید افزایش دهد که اگر وضع به همین منوال پیش برود سال فشار بسیار سنگین مالی بر این نهاد اجتماعی وارد می‌شود. در میان بیمه‌شدگان نیز وضعیت به همین ترتیب است. برای نمونه افزایش قیمت‌ها موجب می‌شود که میزان مراجعات به بخش در مان مستقیم افزایش یابد و چون خدمات درمانی در مراکز ملی رایگان است، در مدت زمانى کوتاه هزینه‌های این بخش به شدت رشد می‌کنند. در سطح کارفرمایى نیز به کرات کارشناسان هشدار داده‌اند که فضای ناآرام اقتصادى موجب رکود کسب‌وکارها می‌شوند یا با کاهش سرمایه‌گذاری‌ها، اشتغال را تحت‌تأثیر قرار دهد که برابند آن افت تعداد بیمه‌شدگان خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت این تحولات ناخوشایند به شدت منابع درآمدى سازمان تامین اجتماعی را متاثر می‌کنند و در عوض منجر به افزایش مصارف صندوق بیمه یکاری خواهد شد. مسلما در سنوات آتی با کاهش قدرت پرداختى بنگاه‌ها و واحدهای تابع قانون تامین اجتماعی، موقوفات بیمه‌ای کارفرمایان نیز بالاتر خواهد رفت. علاوه بر این‌ها، سازمان تامین اجتماعی مقطعى خاص از حیات خود را سپرى می‌کند و به نوعی نیازمند کمک‌های دولت است. این یک حقیقت است که درآمدهای تامین اجتماعی در چنین شرایطى دیگر کفاف هزینه‌ها را نمى‌دهد، اما خبر ناگوارتر این است که وضع منابع دولت نیز چندان جالب نیست. مسلما دولت در چنین وانفاسی آن‌قدر معضلات حاد دارد و به قولی «آن‌قدر صنم دارد که یاسمن در آن گم است» که احتمالا تامین اجتماعی را جزء اولویت‌های آخر خود هم قرار نمى‌دهد. طبیعى است زمانى که مسئله کشور تریز و اعتبار است، تامین اجتماعی اصلا اولویت نخواهد داشت. مسئله دیگر این است که تامین اجتماعی یکی از چالش‌های برنامه ششم توسعه شناخته شده و هرچه دیرتر کمک‌ها در یافت کند، برگرداندن آن به تعادل سخت‌تر می‌شود. تاسف‌بارتر اینکه به حدت که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزى برای حل کمک به حل معضلات صندوق تامین اجتماعی را کاملا به حل حاشیه برده است. در حالى که اساسا شاهراه حمایت از اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر در مواقع بحرانی، گسترش نظام حمایتی تامین اجتماعی است و اگر دولت بخواهد از مردم در برابر فشارهای معیشتى حمایت کند، یکى از کارآمدترین ابزارها، گسترش چتر حمایت بیمه‌ای تامین اجتماعی است. در میان همه این‌ها شاید مهم‌ترین نگرانى‌ها، وضعیت بخش سرمایه‌گذاری و دارایی‌های سازمان تامین اجتماعی باشد. درست است که شستا متشکل از یک سرى از شرکت‌ها و بنگاه‌هاست، اما در واقع ما با بنگاهى بزرگ سروکار داریم. مسلما شرایط کنونی اقتصادى و فشارهایی که بر بخش تولید وارد کرده، بر بنگاه‌های شستا نیز تأثیر سوء خواهد داشت. در نتیجه این انتظار چندان دور از ذهن نیست که درآمدهای تامین اجتماعی....

ادامه در صفحه ۴

ادامه در صفحه ۱۱